



نوع مقاله: ترویجی

اصل «تفکیک حقوق بشر دوستانه» در حمایت از افراد غیر نظامی

مهدی محمودنیا/ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
 سیدابراهیم حسینی/ استادیار گروه حقوق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*
 mahmoudnia.mahdi@gmail.com
 sehoseini@hotmail.com  orcid.org/0009-0006-7848-5249

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶ <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0> 

چکیده

هدف حقوق بشر دوستانه را حمایت از اشخاص و محدود کردن آثار خشونت جنگ معرفی کرده‌اند. به موجب حقوق مخاصمات مسلحانه، فقط رزمندگان برای انجام اعمال خصمانه (جنگی) صاحب صلاحیت هستند و طرف مقابل در برابر حمله حریف به شمار می‌روند. بنابراین غیرنظامیان (شامل بیماران، زنان، کودکان و گروه‌های پزشکی حاضر در جنگ) تحت حمایت قوانین قرار می‌گیرند. در بیان حقوقی، به این قاعده اصل «تفکیک در مخاصمات مسلحانه» می‌گویند. در مقابل نظام حقوقی بین‌الملل معاصر، نظام حقوقی اسلام نیز دارای حقوق حاکم بر جنگ است که مبانی این مقررات برخلاف حقوق معاصر، الهی بوده و از بیان معصومان علیهم‌السلام و سیره آنان در جنگ‌ها می‌توان بدان رسید و قلمرو و مصادیق آن را دانست. اما عدم مراعات قاعده مذکور در مصادیق و قلمرو این اصل در حقوق مخاصمات مسلحانه منجر به نقض این اصل نسبت به غیرنظامیان شده است. مسائل مطرح‌شده پیشین این واقعیت را می‌طلبد که اصل «تفکیک نظامی» و ابهام‌زدایی از آن به صورت توصیفی - تحلیلی در حمایت از اشخاص غیرنظامی بررسی گردد.

کلیدواژه‌ها: اصل تفکیک نظامی، حقوق بشر دوستانه، مخاصمات مسلحانه، مجروح جنگی، نظام حقوق اسلام.

مقدمه

از قرن‌ها پیش تا کنون مسئله توسل به زور، توسعه مناسبات بین‌الملل را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. «جنگ» به درگیری سازمان‌یافته، مسلحانه و غالباً طولانی‌مدتی گفته می‌شود که بین دولت‌ها و ملت‌ها یا گروه‌های دیگر انجام می‌شود و با تلفات جانی و مالی زیاد همراه است. «قاعده تحریم جنگ» در زمره قواعد بین‌المللی است که متأسفانه نتوانسته قابلیت اجرایی چندانی داشته باشد.

«حقوق بین‌المللی بشردوستانه» بنا به تعریف، مجموعه قواعد حقوقی بین‌المللی است که ضمن تعیین حقوق افراد انسانی و کشورها در مخاصمات مسلحانه، اعم از بین‌المللی یا غیربین‌المللی، تکالیف کشورها در آن مخاصمات را نیز روشن می‌کند. در واقع، حقوق بشردوستانه حقوق انسانی زمان جنگ است.

این قوانین را می‌توان «قوانین حاکم بر مخاصمات مسلحانه» نامید که از مهم‌ترین این قوانین می‌توان به تمایز قائل شدن بین اهداف و افراد نظامی و غیرنظامی اشاره کرد. در مخاصمات بین‌المللی از یک‌سو افراد و تجهیزات نظامی وجود دارند و از سوی دیگر افراد و تجهیزات غیرنظامی ناخواسته وارد به جنگ می‌گردند. به همین سبب و با توجه به اینکه غیرنظامیان در حقوق بشردوستانه تحت حمایت کامل قوانین مربوطه‌اند، باید بین این دو گروه تفکیک قائل شد. ولی برداشت‌های متناقض از اصل «تفکیک نظامی» و وجود ابهام در ماهیت و آثار و شرایط این اصل در حقوق مخاصمات مسلحانه، منجر به حملات مکرر به مناطق مسکونی و اهداف غیرنظامی، به‌ویژه در جنگ‌های اخیر شده است.

این واقعیت بررسی دوباره اصل مذکور در حمایت از اشخاص غیرنظامی در مقررات بین‌المللی و ابهام‌زدایی از آن را ضرورت بخشیده است. بهترین روش برای رفع ابهام، مطالعه مقایسه‌ای در خصوص ضرورت نظامی و اصل «تفکیک» در حقوق مخاصمات مسلحانه بین‌المللی با دیگر نظام‌هاست که بهترین نظام را برای این هدف می‌توان نظام حقوقی اسلام دانست که مبنای این اصل الهی به شمار می‌رود که برای بررسی تطبیقی انتخاب شده است.

۱. پیشینه بحث

بررسی اصل «تفکیک» در حمایت از افراد غیرنظامی در مخاصمات مسلحانه به صورت تطبیقی بین نظام حقوقی اسلام و حقوق بین‌الملل، کاری نو و تأسیسی است؛ اما خود اصل «تفکیک» در مقالات و پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها وجود دارد؛ از جمله: «حقوق بشردوستانه در اسلام» (سلیمی، ۱۳۹۶)؛ اثر اخگری‌بناب و همکاران (۱۳۸۹) با عنوان «حقوق بشر دوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی حمایت از محیط زیست، اموال و اماکن در مخاصمات مسلحانه» و کتاب «جهاد و اصل منع توسل به زور در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر» (حسینی، ۱۳۹۱).

۲. حمایت از مجروحان و بیماران در نظام حقوق بین الملل

درمان مجروحان و بیماری‌ها در مخاصمات مسلحانه تا قبل از سال ۱۸۵۹ به موجب عهدنامه‌های خاصی صورت می‌گرفت که در جریان هر جنگ از سوی فرماندهان نظامی دو طرف جنگ منعقد می‌شد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵)، تا اینکه در سال ۱۸۵۹ *هائری دونان* پس از اقدامات فراوان و نگارش کتابی با عنوان *خاطرات جنگ سولفوروی نو* توجه جهان را به وضعیت مجروحان در حین مخاصمات جلب کرد. نخستین اسناد بین‌المللی در زمینه حمایت از مجروحان و بیمارهای جنگی - به ترتیب - شامل «عهدنامه ژنو» مورخ ۲۲ آگوست ۱۸۶۴، «عهدنامه ۲۷ ژوئن ۱۹۲۹»، «معاهده‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹»، و «دستورالعمل الحاقی ۱۹۷۷» می‌شوند.

اصطلاحات «مجروحان» و «بیماران» شامل افراد نظامی و غیرنظامی می‌شود که به علت جراحات، بیماری یا ناتوانی‌های دیگر یا اختلالات جسمانی یا روانی، نیاز به مراقبت‌های پزشکی دارند و از هرگونه عمل خصمانه پرهیز می‌کنند. این اصطلاحات زنان تازه‌زا، نوزادان و سایر کسانی را که ممکن است به مراقبت‌های پزشکی فوری نیاز داشته باشند (از جمله معلولان و زنان باردار) را نیز دربر می‌گیرد، مشروط به اینکه از مبادرت به هرگونه عمل خصمانه‌ای خودداری کنند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵).

۳. اصول رفتار با مجروحان و بیماران

رفتار با افراد نظامی خارج‌شده از نبرد (شامل مجروحان، بیماران و افراد کشتی شکسته) در چارچوب احترام، حمایت و مراقبت تعریف شده است. احترام و رعایت حال این افراد بدین معناست که دو متخاصم نباید بر ضد چنین افرادی به اقدامات خصمانه (از جمله تهدید، ترساندن و آزار) مبادرت ورزند.

تکلیف دو متخاصم در حمایت از افراد خارج‌شده از نبرد، بر محافظت از آنها از مخاطرات و آسیب‌ها دلالت می‌کند و شامل مخاطرات ناشی از مخاصمه مسلحانه و علت‌های خارج از نبرد (مانند بیماری و عوامل محیطی) می‌شود. با نیروهای نظامی مجروح و بیمار باید براساس اصول انسان‌دوستانه رفتار شود.

سومین تکلیف مواظبت از افراد خارج از نبرد، هر متخاصمی را ملزم می‌سازد که افراد زخمی و بیمار را بدون تبعیض ناشی از ملیت، جنس، مذهب و افکار سیاسی جست‌وجو و جمع‌آوری کند. همچنین ضروری است که از افراد زخمی و بیمار با توجه به امکانات در دسترس پزشکی مراقبت به عمل آید (اخگری بناب و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۴).

۳-۱. احترام و حمایت

اعضای نیروهای مسلح و سایر افرادی که در حین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیربین‌المللی مجروح، بیمار یا مصدوم دریایی می‌شوند باید در هر شرایطی از تعرض مصون و مورد احترام و حمایت باشند (ماده ۱۲ مشترک

عهدنامه‌های اول و دوم ژنو و ماده ۱۰ دستورالعمل شماره ۱ ماده ۷ دستورالعمل شماره ۲). این دسته از افراد اسیر جنگی محسوب می‌شوند؛ اما اسیرانی که در طبقه خاصی قرار می‌گیرند.

۳-۲. رفتار انسانی

رفتار خلاف شئون انسانی مطلقاً ممنوع است؛ از جمله:

۱. رها ساختن عمدی بدون امداد پزشکی و یا مراقبت و درمان پزشکی؛
۲. سستی و عدم استفاده از امکانات موجود به منظور مراقبت و درمان پزشکی؛
۳. هرگونه تبعیض در درمان به خاطر نژاد، رنگ، جنس، زبان، عقیده سیاسی یا مذهبی، ملیت و تابعیت و دیگر ملاک‌های مشابه.

تنها فوریت‌های پزشکی - آن هم به تشخیص کارکنان بهداری و براساس اخلاق پزشکی - می‌تواند ملاک تقدم در مراقبت و درمان باشد. ممنوعیت تبعیض مانع از آن نخواهد بود که توجه خاصی به برخی طبقات مخصوص که آسیب‌پذیرند (ازجمله زنان باردار، کودکان، معلولان و سالخوردگان) مبذول گردد.

۳-۳. اعمال پزشکی موجه

تنها اعمال پزشکی موجه که برای سلامتی مجروحان و بیماران جنگی و مصدومین دریایی لازم است، مجاز می‌باشد. در نتیجه با اعمال غیرضروری نباید سلامتی و تمامیت جسمانی یا روانی آنها دچار مخاطره شود. هر عمل ارادی که مغایر با این اصل باشد «جرم مهم» تلقی می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۵ و ۱۵۶).

۴. بررسی اسناد نظام حقوقی بین‌الملل

در اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه، ضمن مواد متعدد، از مجروحان و بیماران حمایت به عمل آمده است. در ارتباط با مجروحان و بیماران مخاصمات داخلی، می‌توان به ماده ۳ مشترک معاهده‌های ژنو ۱۹۴۹ و مواد ۷ و ۸ دستورالعمل دوم الحاقی به این معاهده‌ها در این زمینه استناد کرد.

ماده ۳ مشترک: چنانچه نزاع مسلحانه جنبه بین‌المللی نداشته باشد و در خاک یکی از دولت‌های بزرگ متعهد روی دهد، هریک از دولت‌های داخل در جنگ مکلفند - دست‌کم - مقررات زیر را اجرا نمایند:

۱. با کسانی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند به انضمام افراد نیروهای مسلحی که سلاح بر زمین گذاشته باشند یا کسانی که به علت بیماری یا زخم یا بازداشت و یا به هر علت دیگری قادر به جنگ نباشند باید در همه احوال، بدون هیچ‌گونه تبعیض نامساعد، از نظر رنگ، نژاد، مذهب، عقیده، جنس، اصل و نسب، ثروت یا هر علت مشابه آن با اصول انسانی رفتار شود.

۲. زخمیان و بیماران جمع‌آوری و تحت معالجه قرار خواهند گرفت.

ماده ۷:

۱. همه مجروحان، بیماران و غرق‌شدگان، اعم از اینکه در جنگ مسلحانه شرکت داشته یا نداشته‌اند باید مورد حمایت و مراقبت قرار گیرند.

۲. در همه اوضاع و احوال باید با آنها برخورد انسانی معمول و در گسترده‌ترین شکل و با کمترین تأخیر ممکن صورت گیرد و از حمایت و مراقبت پزشکی متناسب با شرایط و شأن خود بهره‌مند شود و نباید میان آنها هیچ‌گونه تبعیض در هر زمینه‌ای غیر از اولویت‌های پزشکی صورت گیرد.

ماده ۸: هر زمان اوضاع و احوال اجازه دهد، به‌ویژه بعد از یک درگیری، باید بدون فوت وقت اقدامات لازم برای جست‌وجو و جمع‌آوری مجروحان، بیماران و غرق‌شدگان و حمایت از آنها در مقابل چپاول و بدرفتاری، صورت گردد و مراقبت مناسب از آنها و نیز جست‌وجوی اجساد و ممانعت از چپاول آنها و تدفین محترمانه آنها انجام شود.

در ارتباط با حمایت از مجروحان و بیماران در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، معاهده‌های چهارگانه ژنو و دستورالعمل الحاقی اول مقررات پیشگیرانه‌ای وضع نموده‌اند که به شرح ذیل بیان می‌شود:

۴-۱. دستورالعمل اول الحاقی به کنواسیون‌های چهارگانه ژنو

ماده ۱۰. حمایت و مراقبت:

- کلیه مجروحان، بیماران و غرق‌شدگان متعلق به هریک از طرف‌های مخاصمه از احترام و حمایت برخوردار خواهند بود.

- آنها باید در هر شرایطی از رفتار انسانی برخوردار باشند و از مراقبت‌ها و توجهات پزشکی لازم متناسب با شرایط آنها تا بیشترین حدی که عملی باشد و با حداقل تأخیر ممکن بهره‌مند شوند. نباید هیچ تمایزی بین آنها، بجز به دلایل پزشکی اعمال گردد.

ماده ۱۷. نقش سکنه غیرنظامی و سازمان‌های امدادی: سکنه غیرنظامی باید به مجروحان و بیماران و غرق‌شدگان، حتی اگر به طرف دیگر مخاصمه تعلق داشته باشند، احترام گزارده، مرتکب هیچ عمل خشونت‌آمیزی علیه آنها نشوند. سکنه غیرنظامی و سازمان‌های امدادی، نظیر «جمعیت ملی صلیب سرخ» اجازه دارند به ابتکار خود به جمع‌آوری و مراقبت از مجروحان و بیماران و غرق‌شدگان، حتی در مناطقی که در معرض حمله بوده یا اشغال شده است، بپردازند. هیچ‌کس نباید به خاطر انجام چنین اقدامات انسان‌دوستانه‌ای مورد آزار، تعقیب، محکومیت و مجازات قرار گیرد (اخگری بناب و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۴).

۴-۲. معاهده اول ژنو در حمایت از زخمیان و بیماران

ماده ۴: دولت‌های بی‌طرف نیز مقررات این قرارداد را درباره زخمیان و بیماران و افراد و کارکنان بهداری و مذهبی متعلق به نیروهای مسلح متخاصم که در خاک کشورشان پذیرفته و بازداشت می‌شوند و همچنین درباره مردگان اجرا خواهند کرد.

ماده ۶: علاوه بر موافقت‌نامه‌هایی که به صراحت در مواد ۱۰، ۱۵، ۲۳، ۲۸، ۳۱، ۳۶، ۳۷ پیش‌بینی شده دولت‌های متعاقد می‌توانند موافقت‌نامه‌های اختصاصی دیگری نیز در باب هر مسئله‌ای که حل آن را اختصاصاً مقتضی بدانند منعقد سازند، هیچ موافقت‌نامه اختصاصی نمی‌تواند به وضع زخمیان و بیماران و همچنین به وضعیت کارکنان بهداری و مذهبی به گونه‌ای که به موجب این قرارداد معلوم گردیده، لطمه وارد آورد و یا حقوقی را که این قرارداد به آنان اعطا کرده است، تقلیل دهد.

ماده ۱۴: با توجه به مقررات ماده فوق، زخمیان و بیماران یک دولت متخاصم که به دست طرف می‌افتند، اسیر جنگی بوده، قواعد حقوق بشر مربوط به اسیران جنگی درباره آنان معتبر خواهد بود.

ماده ۴۶: اقدامات قصاصی علیه زخمیان و بیماران و کارکنان و ابنیه و لوازمی که تحت حمایت این قرارداد هستند، ممنوع است (اخگری بناب و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۷۶-۱۷۹).

۴-۳. معاهده دوم ژنو در حمایت از زخمیان و بیماران

ماده ۱۲: اعضای نیروهای مسلح و سایر اشخاص مذکور در ماده ذیل که مجروح یا بیمار یا غرق شوند، باید در همه احوال مورد احترام و حمایت قرار گیرند و این نکته محرز است که عنوان «غرق» درباره هرگونه غرق‌ی، اعم از هر نوع کیفیت وقوع آن، از جمله فرود آمدن اجباری هواپیما در دریا یا سقوط در دریا معتبر خواهد بود.

دولت متخاصمی که اشخاص مذکور را در اختیار دارد بدون هیچ‌گونه تبعیض ناشی از جنس و نژاد و ملیت و مذهب و عقیده سیاسی یا هر جهت دیگری، با آنها به انسانیت رفتار و از آنها پرستاری خواهد کرد.

ماده ۱۸: پس از هر مصافی دولت متخاصم تمام اقدامات ممکن را برای جمع‌آوری و جست‌وجوی غرق‌شدگان و بیماران و زخمیان و حفظ آنان از حقارت و بدرفتاری، تأمین پرستاری‌های لازم برای آنان و همچنین برای جست‌وجوی متوفیات و جلوگیری از سرقت اشیای آنان به هر علت به عمل خواهد آورد.

ماده ۴۷: اقدامات قصاص علیه زخمیان و بیماران و غرق‌شدگان و کارکنان و ناوها یا لوازمی که تحت حمایت این قرارداد هستند، ممنوع است (اخگری بناب و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۸۱).

۵. حمایت از مجروحان و بیماران از دیدگاه اسلام

مجروحان و بیماران از جمله اولین گروه‌های انسانی هستند که نیازمند حمایت جدی هستند، به گونه‌ای که علاوه بر خارج شدن آنها از ستون دفاعی دشمن و زوال توان تهدیدساز آنان، حتی از دشمن مسلح خویش هم انتظار کمک

و نجات خود را دارند. این گروه از افراد انسانی دیگر نیروی جنگی و محارب محسوب نمی‌شوند، و کسانی که محارب و مقاتل نیستند نباید مورد تعرض قرار گیرند و بر همین اساس، طبق قواعد بشردوستانه اسلام، چه در حال جنگ و چه پس از جنگ نباید به این گروه از افراد دشمن که بکلی توان دفاعی و جنگی خود را از دست داده‌اند، تعرضی صورت گیرد (موسوی سبزواری، ۱۳۸۲، ج ۱۵، ص ۲۰۳).

اجساد دشمن نیز باید مصون از تعرض باشند؛ زیرا مثله کردن اجساد دشمن و بی‌حرمتی نسبت به آنان علاوه بر اینکه مغایر با سنت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام است (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۲۷ و ۲۸)، ممکن است اقدام مقابله به مثل دشمن را نیز به دنبال داشته باشد (اخگری بناب و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۱).

از دیدگاه اسلام مجروحان در زمره کسانی هستند که از مصونیت جنگی برخوردارند و باید از آنان حمایت ویژه صورت پذیرد. مفسران نهی از جنگ در آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰) را به «نهی مطلق» تفسیر کردند. در نتیجه، مراد از آن مطلق هر عملی است که عنوان «تجاوز» بر آن صادق باشد.

علامه طباطبائی و برخی دیگر از مفسران یکی از مصادیق آن را «تعدی به مجروحان جنگی» ذکر کرده‌اند (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۶۱).

رها کردن مجروحان و ترک مداوای آنان در روایت مذمت شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فتح مکه در توصیه به یاران خود، چند نکته را با تأکید یادآور شدند و آنان را از برخورد با چند گروه برحذر داشتند: یک دسته از آنها کسانی هستند که در نبرد جراحت پیدا می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «در کشتن مجروح شتاب نکنید و گریزان را تعقیب ننمایید و آن که سلاح بر زمین نهاده در امنیت است» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۱۲).

امیرمؤمنان علی رضی الله عنه نیز قبل از رویارویی با دشمن در جنگ صفین، توصیه‌هایی درباره رعایت اصول انسانی در جنگ به لشکریان خود نمودند. ایشان فرمودند: «اگر به اذن خدا دشمنان در جنگ شکست خوردند و گریختند، آن را که پشت کرده است، نکشید و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸، نامه ۱۴).

امیرمؤمنان رضی الله عنه هنگامی که در جنگ نهروان بر دشمن غلبه یافتند، دستور دادند: مجروحان را که در میدان نبرد باقی مانده بودند جمع‌آوری کرده، برای مداوا به کوفه بفرستند و به خانه‌هایشان برگردانند.

مصونیت و حمایت‌های ویژه شریعت اسلام از مجروحان مشروط بر آن است که این عده در وضعیت جدید، در جبهه به نفع دشمن حضور و مشارکت جسمی و فکری نداشته باشند؛ زیرا هرگونه مشارکت کارزار نظامی و یا بازگشت به سوی دشمن، آنان را به‌مثابه سرباز دشمن قرار می‌دهد (شوپای جویباری و امامی، ۱۳۹۵، ص ۳۳۹-۳۴۱).

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَكُمْ وَ لَاتَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰).

نکته: این آیه ضمن تصریح به ضرورت دفاع و مقابله در برابر تجاوز دیگران، تأکید می‌کند که در میدان جنگ نیز از حدود و مرزهای الهی تجاوز نکنید و متعرض بیماران، زنان، کودکان و سالمندان که با شما کاری ندارند، نشوید. قبل از دعوت آنان به اسلام دست به سلاح نبرید و شروع‌کننده جنگ نباشید و مقررات و عواطف انسانی را، حتی در جنگ مراعات کنید (اخگری بناب و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲).

۵-۱. مستندات روایی امامیه در حمایت از مجروحان و بیماران جنگ

در خصوص مجروحان، در متون روایی امامیه (بیهقی نیشابوری، ۱۴۲۴ق، ج ۸، ص ۱۸۱) به سه گروه از روایات برمی‌خوریم:

۱-۵. سیره امیرمؤمنان علیؑ در برخورد با مجروحان

روایاتی که مربوط به سیره امیرمؤمنان علیؑ در برخورد با مجروحان مبنی بر عدم قتل آنان است، با این تأکید که سیره ایشان همان سیره رسول خداﷺ در فتح مکه بوده است:

و بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبِي - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - عَنْ حُرُوبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَ كَانَ السَّائِلُ مِنْ مُحِبِّينَا، فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ ﷺ: «بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ بِخَمْسَةِ أَسْيَافٍ: ثَلَاثَةٌ مِنْهَا شَاهِرَةٌ فَلَا تَغْمَدُ «حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا»، وَ لَنْ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا، حَتَّى تَطَّلِعَ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا. فَإِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا أَمِنَ النَّاسُ كُلَّهُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمِنْتَ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا»، وَ سَيْفٌ مِنْهَا مَكْفُوفٌ وَ سَيْفٌ مِنْهَا مَعْمُودٌ سَلَّهُ إِلَى غَيْرِنَا وَ حُكْمُهُ إِلَيْنَا...» (کلبنی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۱۲)؛ حفص بن غیاث می‌گوید: امام صادقؑ فرمودند: مردی از پدر بزرگوارم در خصوص جنگ‌های امیرمؤمنان علیؑ پرسید، امام باقرؑ به او فرمودند: خداوند حضرت محمدﷺ را با پنج شمشیر فرستاد که سه تای آنها «شاهره» (یعنی عریان و بیرون از غلاف) هستند و تا آن زمان که جنگ خاموش شود و پایان یابد، این شمشیرهای شاهره از غلاف بیرون خواهند ماند... روش امیرالمؤمنینؑ با آنان همان روش رسول خداﷺ بود که در زمان فتح مکه، خانواده آنها را اسیر نکردند و فرمودند: هر کس در خانه خود را ببندد و هر کس سلاح خود را زمین بگذارد در امان است.

امیرمؤمنان علیؑ نیز در روز جنگ بصره (جمل)، دستور دادند: ذریه آنها را اسیر نکنید، مجروحان را نکشید و فراریان را تعقیب نکنید. هر کس در خانه‌اش را بست و سلاح خود را بر زمین گذاشت، در امان خواهد بود (همان).

ابوحزمه ثمالی می‌گوید: به امام سجادؑ عرض کردم: حضرت علیؑ درباره اهل قبله مسلمانان در (جنگ جمل) به خلاف روش رسول خداﷺ که با مشرکان رفتار کرده بودند، عمل کردند. آن حضرت خشمگین شدند.

آنگاه نشستند، سپس فرمودند: «به خدا سوگند! روش آن حضرت همانند روش رسول خداﷺ در جریان فتح مکه بود (طوسی، ۱۳۸۶، ج ۶ ص ۱۵۵، روایت ۵).

۲-۱-۵. روایات ناهی از قتل مجروحان

روایات از قتل مجروح و بیماری که در جریان جنگ به اسارت درآمده، نهی می‌کند و تأکید می‌نماید که باید مجروح و بیمار دشمن مداوا و به پشت جبهه منتقل شود:

أَبِي عَنْ سَعْدِ بْنِ الْأَسْبَهَائِيِّ عَنْ الْمُنْقَرِيِّ عَنْ عَيْسَى بْنِ يُونُسَ عَنْ الْأَوْزَاعِيِّ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَالَ: «إِنْ أَخَذْتَ الْأَسِيرَ فَعَجَزَ عَنِ الْمَشْيِ وَلَمْ يَكُنْ مَعَكَ مَحْمِلٌ فَأَرْسِلْهُ وَلَا تَقْتُلْهُ، فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا حُكِمَ لِلْإِمَامِ فِيهِ»، وَقَالَ: «الْأَسِيرُ إِذَا أَسْلَمَ فَقَدْ حَقَّنَ دَمَهُ وَصَارَ قَيْنًا» (طوسی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۵۵، روایت ۵).

۳-۱-۵. روایات در خصوص مداوای مجروحان

روایتی امتناع‌کننده از مداوای مجروحان را شریک در جرم دانسته، آن را مذمت می‌نماید. این روایت که در منابع روایی گوناگون وارد شده، اطلاق دارد و شامل مجروح مسلمان و غیرمسلمان می‌شود:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الدَّهْقَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «كَانَ الْمَسِيحُ عليه السلام يَقُولُ: إِنْ التَّارِكُ شَفَاءَ الْمَجْرُوحِ مِنْ جُرْحِهِ شَرِيكَ لِجَارِحِهِ لَا مَحَالَةَ وَذَلِكَ أَنْ الْجَارِحَ أَرَادَ فُسَادَ الْمَجْرُوحِ وَالتَّارِكُ لِإِسْفَافِهِ لَمْ يَشَأْ صِلَاحَهُ، فَإِذَا لَمْ يَشَأْ صِلَاحَهُ فَقَدْ شَاءَ فُسَادَهُ اضْطِرَّارًا. فَكَذَلِكَ لَا تُحَدِّثُوا بِالْحِكْمَةِ غَيْرَ أَهْلِهَا فَتَجْهَلُوا وَلَا تَمْنَعُوهَا أَهْلِهَا فَتَأْتُمُوا، وَ لِيَكُنْ أَحَدُكُمْ بِمَنْزِلَةِ الطَّيِّبِ الْمُدَاوِي إِنْ رَأَى مُوضِعًا لِدَوَائِهِ، وَإِلَّا أَمْسَكَ» (کلینی، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۴۵)؛ ابان بن تغلب از امام صادق عليه السلام روایت می‌کند که مسیح عليه السلام فرمود: کسی که زخم مجروحی را درمان نکند ناگزیر شریک کسی است که این شخص را زخمی کرده؛ زیرا زخم‌زنده تباهی حال مجروح را خواسته و کسی هم که او را درمان نکرده، بهبودی او را نخواسته و به ناچار تباهی او را خواهان است. شما نیز حکمت را به غیر اهلسش بازگوئید تا نادانی کرده باشید، و از اهل آن دریغ نکنید که گناه مرتکب شوید. هریک از شما چونان پزشکی درمانگر باشد که اگر جایی برای داروی خود یافت [دریغ نرورد] [اخگری و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۱۶]، وگرنه خودداری کند.

از مجموع روایات و بررسی‌های فقهی انجام‌گرفته درباره حمایت از مجروحان و بیماران، چند نکته کلیدی قابل استنباط است که به اجماع در اسناد بین‌المللی «حقوق بشردوستانه» نیز مدنظر قرار گرفته است:

۱. مجروحان و بیماران نباید در منطقه جنگی به حال خود رها شوند؛
۲. در صورت امکان، لازم است اقدامات اولیه برای درمان مجروحان و بیماران انجام گیرد؛
۳. با هر وسیله ممکن، مجموعه این بیماران از منطقه جنگی به مکان مناسب منتقل شوند؛

۴. اقدامات خودسرانه علیه مجروحان و بیماران ممنوع بوده و لازم است تصمیمات مقتضی توسط امام و یا نایب او صورت گیرد؛

۵. مجروحان و بیمارانی به دست نیروهای اسلام بیفتند اسیر جنگی محسوب می‌شوند و از حقوق اسیران جنگی برخوردار خواهند شد (اخگری بناب و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷).

۶. حمایت از زنان در نظام حقوقی اسلام

در مفهوم اسلامی «حقوق بشردوستانه» زنان علاوه بر برخورداری از حمایت‌های عمومی، از حمایت ویژه هم برخوردارند و در کتب روایی و فقهی بابی با عنوان «نهی از کشتن و آسیب به زنان و کودکان» ایجاد شده است. برخی آیات قرآن کریم و نیز سیره پیامبر خدا ﷺ و امیرمومنان علیه السلام بر منع خشونت علیه زنان و مصونیت آنها حکایت دارد.

به نظر بسیاری از مفسران قرآن، کشتن زنان از مصادیق «تجاوز و ستم» است که در قرآن به موجب آیه ۱۹۰ سوره «بقره» منع شده است. از نخستین مفسران (مانند ابن عباس و مجاهد) نقل شده که نهی از اعتداء در این آیه به منظور منع از کشتن زنان وارد شده است (شوپای جوپیری و امامی، ۱۳۹۵، ص ۲۴۹).

اقدامات پیامبر صلی الله علیه و آله درباره زنانی که اسیر می‌شدند و مطابق قوانین جنگ‌های آن زمان می‌بایست به‌عنوان کنیز در اختیار نیروهای فاتح قرار گیرند نیز نشان‌دهنده توجه ویژه آن حضرت به حمایت از زنان بوده است.

در غزوه «بنی المصطلق» که در سال ششم هجری اتفاق افتاد، تعداد زیادی از زنان این قبیله به اسارت مسلمانان درآمدند که از جمله آنان جویرییه، دختر حارث رئیس قبیله، بود. این اسیران مطابق سنت‌های آن زمان به‌عنوان غنیمت تحت مالکیت نیروهای پیروز درمی‌آمدند و می‌بایست فدیه خود را می‌دادند و آزاد می‌شدند یا تمام عمر را در بردگی به سر می‌بردند؛ اما پیامبر در این غزوه نیز با سیاستی هوشیارانه، زمینه آزادی اسیران این قبیله را که بیشتر آنها زنان بودند، فراهم کردند، تا جایی که هیچ زنی از این قبیله در مدینه نماند، مگر آنکه آزاد شد (طبری، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۶۱۰).

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پایان یکی از جنگ‌ها دیدند که عده‌ای در کنار جنازه زنی روی زمین اجتماع کرده‌اند. آن حضرت پس از اطلاع از کشته شدن آن زن، در مقام تویب و تخطئه عمل انجام شده، فرمودند: قطعاً این زن در حال جنگ نبوده است (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۳۷).

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «پیامبر از کشتن زنان در سرزمین دشمن نهی کرده‌اند، مگر آنکه وارد کارزار نظامی شوند، و اگر وارد جنگ شده‌اند تا آنجا که می‌توان باید با آنها مدارا کرد (اخگری بناب و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۷-۲۵۰) و از کشتن آنها پرهیز نمود» (طبری، ۱۳۹۴، ج ۵، ص ۴۸۵).

نمونه‌ای دیگر از اقدامات امامان در حمایت از این گروه را می‌توان اقدام امام سجاد^{علیه السلام} در واقعه «حره» دانست که در جریان آن مردم مدینه با سپاه شام وارد جنگی خونین شدند. در این زمان، امام سجاد^{علیه السلام} چهارصد زن از خاندان عبد مناف را تا زمان آرام شدن اوضاع، تحت حمایت خود قرار دادند که از جمله آنها خانواده مروان بن حکم دشمن سرسخت اهل بیت^{علیهم السلام} بود.

در تاریخ طبری آمده است: گروهی از انصار که از خزرج بودند، از پیامبر اجازه خواستند/بن ابی‌التحقیق را در خیبر بکشند. پیامبر به آنان رخصت دادند و عبدالله بن عتیک را به فرماندهی آنها برگزیدند و ایشان را از کشتن کودکان و زنان نهی کردند (همان، ص ۴۹۶).

تعالیم اسلامی مصونیت ویژه‌ای برای زنان قائل شده‌اند. برخی از فقهای شیعه در خصوص جواز کشتن زنان در جنگ در صورتی که در جنگ شرکت نمایند و رزمندگان خود را یاری دهند و علیه مسلمانان وارد عملیات شوند، تردید، و بسیاری آن را به صراحت رد کرده‌اند.

صاحب کتاب **جواهر الکلام** چنین می‌فرماید: جایز نیست دیوانگان، کودکان و زنان اتباع دشمن کشته شوند، گرچه این عده اتباع دشمن را یاری رسانند، مگر در هنگام اضطرار (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۷۳-۷۴). در این مسئله از هیچ‌یک از فقیهان نظر مخالفی دریافت نشده، بلکه علامه حلی در کتاب **المنتهی** درباره عدم جواز قتل زنان و کودکان اتباع دشمن ادعای اجماع کرده است.

۷. حمایت از کودکان در برابر صدمات جنگ در نظام حقوق اسلامی

کودکان و نوجوانان معمولاً در جنگ‌ها بسیار آسیب‌پذیرند و بیشترین صدمات جسمی و روحی متوجه آنان می‌شود. این مسئله هنگامی که جنگ‌ها و نزاع‌ها به شهرها و محله‌ها کشانده شود، بیشتر نمایان است. از منظر اسلامی کودکان هر چند وابسته به دشمن هستند، ولی مصونیت دارند. در این باره از پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} و اهل بیت^{علیهم السلام} دستور صریح بر نهی از کشتن اطفال دشمن رسیده است: «لأن رسول الله نهی عن قتل النساء والولدان فی دارالحرب الا أن یقاتلن» (حرعاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۱، ص ۴۷ و ۴۸). پس کودکان از مصونیت کامل بهره‌مند هستند، مگر هنگامی که در پیشبرد جنگ مؤثر و همانند اتباع دشمن، مشغول کارزار نظامی باشند (جلالی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۷).

پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} هنگام اعزام نیرو به خیبر برای جنگ با یهودیان، وقتی فهمیدند که در حین جنگ تعدادی از کودکان نیز کشته شده‌اند، پرسیدند: «چه چیزی شما را به کشتن کودکان وامی‌دارد؟» پاسخ دادند: مگر کودکان مشرک‌زاده نیستند؟ فرمودند: «مگر پدران شما نیز مشرک‌زاده نبودند؟» (صنعانی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۲۰۲)

۷-۱. مقررات کلی حمایت از کودکان در نظام حقوقی اسلام

در این قسمت به دو نوع از حمایت‌های مربوط به کودکان اشاره می‌کنیم:

۱-۷. مقررات مربوط به حفاظت از کودکان در برابر آسیب دشمن

براساس مقررات اسلامی، کودکان باید دارای زندگی همراه با آسایش کامل باشند و کمترین آسیب را از نیروی دشمن نبینند. از این رو در مقررات اسلامی نهادها و قواعدی پیش‌بینی شده است که این حمایت را محقق سازد.

۱-۱-۷. محل اقامت شهروندها و کودکان

در کتاب‌های فقهی آمده است که بهترین جا برای سکونت خانواده‌ها جایی است که از خطرهای دورتر باشند. در گذشته سکنای گزیدن در اماکنی مانند شهرهای مرکزی و وزارت کشور برای حمایت از شهروندان کافی بود، اما امروزه با توجه به پیشرفت شگرفی که در شیوه‌ها و ابزارهای مقابله با جنگ صورت گرفته برای حمایت از شهروندان اماکنی پیش‌بینی شده که بیشترین امنیت و کمترین آسیب را برای آنان در پی داشته است.

۲-۱-۷. حمایت از خانواده رزمنده‌ها

یکی از راه‌هایی که در شرع برای حمایت از کودکان و مراقبت از آنها در هنگام اشتغال سرپرستان ایشان در امور جنگ یا پس از فقدان آنان پیش‌بینی شده این است که براساس فقه اسلامی تأمین هزینه افراد سپاه و خانواده آنان از بیت‌المال صورت گیرد.

بی‌شک امام علیه السلام در برابر خانواده و فرزندان شهدای جنگ‌ها، متعهد بودند و ظاهراً یکی از شیوه‌های حمایت از آنان، رسیدگی به وضعیت معیشتی این افراد بوده است. این شکل حمایت را می‌توان از سیره امام مجتبی علیه السلام در مفاد صلح‌نامه با معاویه حدس زد که سهمی از بیت‌المال را متعلق به بازماندگان شهدای جمل و صفین می‌دانست (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۱۲). حضرت علی علیه السلام نیز به مالک‌اشتر توصیه می‌کند، به‌گونه‌ای نقش جانشین را برای خانواده شهدا ایفا کند که احساس از دست‌دادن سرپرست خانواده در آنان مشاهده نشود. امام علیه السلام می‌فرماید:

«...وَإِنْ اسْتَشْهِدَ أَحَدٌ مِنْ جُنُودِكَ وَ أَهْلَ النَّكَايَةِ فِي عِدْوِكَ فَأَخْلَفَهُ فِي عِيَالِهِ بِمَا يَخْلُفُ بِهِ الْوَصِيُّ الشَّافِقُ الْمُؤْتَقُ بِهِ حَتَّى لَا يَرَى عَلَيْهِمْ أَثَرَ فَقْدِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ يُعْطَفُ عَلَيْكَ قُلُوبَ شِيعَتِكَ وَ يَسْتَشْعِرُونَ بِه طَاعَتِكَ وَ يَسْتَلْسُونَ لِرُكُوبِ مَعَارِضِ التَّلْفِ الشَّدِيدِ فِي وَلَايَتِكَ...» (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۳۴).
«... و اگر یکی از سپاهیان و تکاوران نیروی ضربتی (در نبرد) با دشمن تو به شهادت رسید (در سرپرستی) خانواده‌اش مانند وصی مهربان مورد اعتمادی جانشین او باش تا اثر از دست دادن او بر آن خانواده پدید نیاید؛ زیرا این روش دل پیروان را به تو جلب می‌کند و احساس فرمانبرداری از تو را آگاهانه در می‌یابد و برای دست‌یازیدن به جانبازی‌های سخت در راه حکومت تو آماده می‌شوند (اتابکی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۲).

این قاعده در زمانی بود که نیروهای نظامی به بیت‌المال اتکا نداشتند و از غنایم و فعالیت‌های دیگر درآمد کسب می‌کردند. در حقیقت این قاعده تأسیس یک نهاد «بیمه» است که در صورت غیبت یا فقدان سرپرست خانوار بر اثر تکالیف جهادی، هزینه خانواده از بیت‌المال تأمین می‌گردد. روشن است که بیشترین حمایت نیز در این زمینه از

کودکان صورت می‌گیرد که در تأمین هزینه خود متکی به والدین خود هستند و کمترین قدرت را برای ادامه زندگی مستقل دارند.

۲-۱-۷. مقررات مربوط به حمایت از کودکان در برابر بلاهای جنگ

فقیهان معتقدند: جهاد بر کودکان واجب نیست (مغنیه، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۵)؛ زیرا آنان مکلف نیستند. در شرع اسلام بلوغ مناط تمام تکالیف در حقوق الهی است، چه تکلیف بدنی و چه مالی. علت سقوط تکلیف از کودکان این است که آنان قدرت و اختیار فعل و ترک را به‌گونه‌ای که خداوند به خاطر آن معاقبه نماید، ندارند و جهاد نیز از سخت‌ترین این تکالیف واجب بر یک مسلمان بالغ است.

در قرآن آمده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَ هُوَ كُرْهُ لَكُمْ» (بقره: ۲۰۶)؛ یعنی حکم جهاد بر شما مقرر گردیده، در حالی که بر شما ناگوار و مکروه است. در این آیه به سختی جهاد برای مسلمانان بالغ اشاره شده است، چه رسد به کودکانی که توان مردان را نیز ندارند. خداوند حکم جهاد را از گروه‌های ضعیف و ناتوان برداشته است (توبه: ۹۱).

در منابع فقهی امامیه و اهل سنت روایات زیادی از پیامبر خدا ﷺ بر عدم اجازه جهاد به کودکان نقل شده است. از مجموع این روایات چنین استنباط می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ داوطلبان جهادی را که در زیر سن بلوغ بودند، نمی‌پذیرفتند و آنان را مخاطب تکلیف جهاد نمی‌دانستند و این در حالی بود که جامعه مسلمانان به علت کمی تعداد و زیادی دشمنان به تک‌تک افراد رزمنده نیاز داشت.

لازم به ذکر است که در مقررات اسلامی منعی برای کمک گرفتن از کودکان در اموری که توانایی انجام آن را دارند، وجود ندارد. همکاری کودکان در کارهایی مانند نگهبانی از شهرها، بسیج مردمی، خدمات درمانی، امدادگری و سایر کارهایی که توانایی انجام آن را دارند و آنان را برای پذیرفتن مسئولیت‌های بزرگ‌تر آماده می‌کند، کاری پسندیده است.

در سیره رسول خدا ﷺ هم دیده می‌شود که ایشان بعضی از سازمان‌های داوطلب را به پاسداری از زنان و کودکان می‌گماردند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که علت کمک گرفتن از کودکان مصلحت است؛ یعنی در جاهایی که کمک بزرگسالان مرد و زن برای دفاع کافی نیست و نیاز به آن باشد که کودکان نیز خطرات حضور در امور نظامی را بپذیرا باشند هیچ عاقلی مانع حضور کودکان در دفاع از زندگی و سرزمین خود، در گروهی که توانایی آن را دارند، نمی‌شود.

۸. حمایت از زنان در نظام حقوق بین‌الملل معاصر

زنان در طول تاریخ بشریت همواره یکی از قربانیان جنگ‌ها بوده‌اند. حتی امروزه نیز اگرچه در قوانین و معاهده‌های بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته‌اند و قوانینی برای حمایت از آنها وضع شده، اما این قوانین نتوانسته است مانع

ظلمی شود که در جنگ‌ها بر آنها وارد می‌شود. آسیب‌پذیری زنان در مخاصمات مسلحانه عمری به قدمت تاریخ زندگی بشری دارد. اسیر گرفتن، ازدواج‌های اجباری پادشاهان و فرماندهان نظامی با طرف مخاصمه به بهانه‌های تحکیم سلطنت، تجاوز گسترده و انواع گوناگون خشونت نسبت به زنان بخشی از تاریخ جنگ‌ها را تشکیل می‌دهد. زنان و کودکان اگرچه عامل برانگیختن جنگ‌ها نیستند، ولی همواره به گواهی تاریخ، صدمات زیادی را در اثر جنگ‌ها به شیوه‌های گوناگون متحمل شده‌اند. زنان و کودکان هدف خشونت در منازعات هستند و اکثریت قربانیان را پناهندگان و آواره‌ها را تشکیل می‌دهند.

ماده ۴۲ از مجموعه ماده ۵۰۶ معاهده‌های چهارگانه ژنو و دو دستورالعمل الحاقی به‌طور مشخص، موضوع حمایت از زنان را به اشکال گوناگون مطرح و مواردی از مسائل مربوط به خشونت علیه زنان را مطرح می‌کنند.

ماده ۲۷ معاهده چهارم مقرر می‌دارد: اشخاص تحت حمایت در هر حال مستحق احترام به خود، حقوق خانوادگی، اعتقادات مذهبی، عادت و رسوم خویش هستند. در هر زمان با آنان به انسانیت رفتار خواهد شد و از جمله، در مقابل همه‌گونه عمل خشونت‌آمیز یا تحقیرکننده و دشنام و کنجکاوی عامه حمایت خواهند شد.

در مواد ۱۴، ۷۶ و ۹۱ معاهده چهارم ۱۹۴۹ ژنو و دستورالعمل الحاقی آن آمده است: زنان باید از هرگونه تعرض مصون و مورد حمایت طرف‌های درگیر بوده و در برابر آزار جنسی، اعم از تجاوز، فحش‌های اجباری، هتک حرمت، و رفتار تحقیرآمیز مورد حمایت باشند. همچنین ایجاد اماکن عمل برای مادران اطفال کمتر از ۷ سال و نگهداری در جاهای مجزا و تحت مراقبت مستقیم زنان و بازرسی زنان بازداشتی به وسیله زنان نیز درخواست شده است (شوپای جویباری و امامی، ۱۳۹۵، ص ۲۴۸ و ۲۴۹).

همچنین ماده ۱۴۷ همین معاهده بیان می‌کند که آدمکشی عمدی، شکنجه یا رفتار خلاف انسانیت، به انضمام آزمایش‌های «بیولوژیکی»، وارد آوردن دردهای شدید به‌طور عمومی، لطمه به تمامیت جسمی و سلامتی، توقیف و انتقال غیرقانونی و... ممنوع است. بنابراین تجاوز جنسی نیز که به نحوی شکنجه و در زمره رفتارهای غیرانسانی به شمار می‌رود، در فهرست تخلفات عمده محسوب می‌شود و بالتبع ممنوع است.

ماده ۷۶ فصل دوم دستورالعمل نخست الحاقی ۱۹۷۷ نیز بر این نکته تأکید دارد که زنان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و به‌ویژه در مقابل تجاوز جنسی، اجبار به فحشا و هر شکلی از تهدید جنسی حمایت گردند (جلالی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۶ و ۴۷۷).

قسمت سوم بند ۲ دستورالعمل دوم الحاقی ۱۹۷۷ نیز اگرچه مربوط به تعارضات مسلحانه غیربین‌المللی است، اما به‌طور بدیهی به علت اهمیت زیاد موضوع، شامل مخاصمات بین‌المللی نیز می‌شود که مقرر می‌دارد: هرگونه تخطی، بی‌حرمتی، تجاوز، فحش‌های اجباری و تهدید علیه اشخاصی که شرکت مستقیم در جنگ ندارند یا مشارکت خود را قطع نموده‌اند، ممنوع است.

نکات فوق غیر از مواردی است که به زنان در کنار کودکان و نقش مادری آنها اشاره دارد. برای مثال، بند چهارم ماده ۶ دستورالعمل دوم ممنوعیت اعدام زنان باردار و یا مادرائی را که فرزندان خردسال دارند، بیان می‌کند. در ماده ۶۷ دستورالعمل نخست اختصاصاً درباره زنان آمده است: زنان باید مورد احترام خاص قرار گیرند و در برابر هرگونه حمله ناشایست حمایت شوند، به وضعیت زنان باردار و مادرائی که دارای فرزند وابسته به خود یا فرزند شیرخوار هستند و به علل مربوط به درگیری مسلحانه بازداشت شده‌اند با حداکثر اولویت رسیدگی شود و در صورت صدور حکم اعدام برای آنها، این حکم اجرا نخواهد شد.

از سوی دیگر ماده ۲۶ دستورالعمل نخست مقرر می‌دارد: باید نسبت به زنان باردار و مادرائی که کودکان کم سن‌وسال دارند توجه خاص مبذول شود. دو طرف مخاصمه باید به هر صورت که ممکن است، بکوشند از صدور حکم و اعمال مجازات نسبت به زنان به سبب ارتکاب جرایم مربوط به مخاصمه مسلحانه خودداری کنند. این موضوع در بند ۴ ماده ۶ دستورالعمل دوم نیز آمده است (همان، ص ۷۱۲-۷۱۴).

براساس این مواد، باید به وضعیت زنان باردار که در درگیری مسلحانه بازداشت شده‌اند با حداکثر اولویت رسیدگی شود (شوپای جویباری و امامی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۲).

۹. حمایت از کودکان در حقوق بشردوستانه بین‌الملل معاصر

اسناد بین‌المللی به موضوع «حمایت از کودکان» توجه ویژه‌ای نشان داده است؛ زیرا کودکان را می‌توان آسیب‌پذیرترین قشر از افراد بی‌گناهی دانست که در مخاصمات مسلحانه آسیب‌های جدی می‌بینند. کودکان به‌طور خاص، در طول مخاصمات ربوده می‌شوند و همانند یک برده نسبت به آنان، انواع اعمال خشونت‌آمیز جنسی، جسمی و روحی انجام می‌گیرد.

برای نخستین بار در اعلامیه شانزدهم سپتامبر ۱۹۲۴ جامعه ملل، حمایت از کودکان به‌طور جدی مطرح شد. این اعلامیه که با عنوان «اعلامیه ژنو» تصویب شد، در مقدمه و ۵ ماده خود به حمایت جسمی و روحی کودکان توجه ویژه‌ای کرده است. بعد از معاهده‌های ژنو ۱۹۴۹ و دستورالعمل‌های الحاقی ۱۹۷۷ و بیستم نوامبر ۱۹۵۹، اعلامیه حقوق کودک تحت نظارت سازمان ملل تصویب شد و بر اعلامیه ژنو تأکید کرد (جلالی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۲).

- به‌اجمال حمایت معاهده از کودکان در مخاصمات مسلحانه در این زمینه‌هاست:
- حمایت از کودکان غیرنظامی در برابر آسیب‌های ناشی از اقدامات مسلحانه؛
- منع شرکت مستقیم و داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه؛
- اولویت دادن به اشخاص بالای ۱۸ سال برای استخدام در نیروهای نظامی.

یکی از اتفاقاتی که در این تقسیم‌بندی به نظر می‌رسد، انعطاف آن نسبت به سن کودکی است. براساس این معاهده، «کودک» هر انسان زیر ۱۸ سال است؛ اما در مقررات مربوط به شرکت کودکان در مخاصمات مسلحانه، سن آنها را به ۱۵ سال تقلیل می‌دهد، و اجازه شرکت بخشی از کودکان در مخاصمات مسلحانه را به آنان می‌دهد (همان، ص ۵۶۱).

در نگاهی کلی نیز می‌توان گفت: حمایت‌های مقرر در ماده ۳ مشترک معاهده‌های ژنو در خصوص غیررزمندگان (یعنی کسانی که در نبرد شرکت ندارند) به‌طور قطع کودکانی را هم که در نبردها شرکت ندارند دربرمی‌گیرد. به همین لحاظ باید گفت: تشدید و تقویت حمایت از کودکان در مخاصمات داخلی با تصویب دستورالعمل الحاقی دوم در سال ۱۹۷۷ حاصل شد.

ماده چهار دستورالعمل دوم استخدام کودکان کمتر از ۱۵ سال را در نیروها یا گروه‌های مسلح ممنوع می‌کند؛ همچنان که شرکت کودکان تا این سن را در منازعات مجاز نمی‌داند. در واقع مطابق ردیف (ج) بند ۳ ماده ۴ کودکان کمتر از ۱۵ سال نه باید به استخدام نیروهای مسلح درآیند و نه مجازند در نبردها شرکت کنند. این ممنوعیت، هم مشارکت مستقیم آنان را دربر می‌گیرد و هم مشارکت غیرمستقیم آنان در نبرد را؛ مانند مبادرت به جمع‌آوری اطلاعات، انتقال و ابلاغ دستورهای نظامی و حمل مهمات و آذوقه برای رزمندگان. علاوه بر این، هم قوای حکومتی مشمول این ممنوعیت هستند و هم گروه‌های مسلح شورشی که ید طولایی در به‌کارگیری کودکان سرباز دارند (برای اطلاع بیشتر، رک: گزارش‌هایی که نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد در پی تصویب قطعنامه ۷۷/۵۱ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ درباره حمایت از کودکان آسیب‌دیده از مخاصمات مسلحانه ارائه کرده است).

ماده ۷۷ دستورالعمل اول با عنوان «حمایت از کودکان برای منع استخدام و مشارکت کودکان زیر ۱۵ سال در نبردها»، تنها به این عبارت بسنده کرده است که طرف‌های مخاصمه همه‌گونه اقدامات ممکن را به عمل خواهند آورد، به‌ویژه با اجتناب از استخدام در نیروهای مسلح، تا کودکان کمتر از ۱۵ سال به‌طور مستقیم در منازعات شرکت نکنند.

برای رسیدن به حمایتی مؤثرتر از کودکان، تصویب قطعنامه شماره ۹ در بیست و پنجمین گردهمایی صلیب سرخ، به سال ۱۹۸۸ در حمایت از کودکان حاضر در مخاصمات مسلحانه آغاز شد. در زمان تدوین، معاهده «حقوق کودک» در سال ۱۹۸۹ بیشتر به همان مسیری افتاد که پیش‌تر دستورالعمل الحاقی اول از آن راه رفته بود. این در حالی است که تعهد مندرج در ماده ۴ دستورالعمل دوم، تعهد مطلق و ماهیت آن از نوع «تعهد به نتیجه» به نظر می‌رسد و تعهد به وسیله معاهده حقوق کودک - درواقع - خط دستورالعمل اول را پی گرفته است که در این زمینه، به‌ویژه انعطاف بیشتری نسبت به دستورالعمل دوم دارد.

خوشبختانه ماده (۵) دستورالعمل اختیاری صراحت دارد به اینکه هیچ کس مقررات و دستورالعملی تأثیرگذار، اعم از مقررات داخلی و دیگر اسناد بین‌المللی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در اختیار ندارد که حاوی قواعدی مناسب‌تر برای تحقق حقوق کودکان باشد و بیش از دستورالعمل مزبور، کودکان را تحت حمایت قرار دهد.

البته باید یادآوری کنیم ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی با جرم‌انگاری سربازگیری از کودکان زیر ۱۵ سال تا حدی مقررات اسناد حقوق بشردوستانه را کامل‌تر می‌کند. مطابق این ماده، نام‌نویسی یا سربازگیری از کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح یا به‌کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در عملیات جنگی، چه در مخاصمات بین‌المللی و چه در مخاصمات داخلی، جنایت جنگی است و با رعایت ترتیبات اساسنامه، مشمول صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی خواهد بود (ممتاز، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲-۱۲۹).

۱۰. حمایت از روحانیان در حقوق بین‌الملل بشردوستانه

طبق بند ۴ ماده ۸ دستورالعمل نخست الحاقی ۱۹۷۷ کارکنان مذهبی به‌مثابه اشخاص غیرنظامی و روحانیان هستند که به انجام وظایف خود می‌پردازند و وابسته به یکی از نهادهای زیر هستند:

الف. نیروهای مسلح یکی از طرف‌های مخاصمه؛

ب. واحدهای بهداری یکی از طرف‌های مخاصمه؛

ج. واحدهای بهداری یا ترابری بهداری مذکور در بند ۲ ماده نهم؛

د. سازمان‌های دفاع غیرنظامی یکی از طرف‌های مخاصمه.

بررسی اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه نشان می‌دهد که حمایت‌های مدنظر این اسناد از روحانیان بیشتر بر وضعیت پس از جنگ و دوران اشغال منطبق است تا جریان مخاصمات مسلحانه. «معاهده چهارم ژنو» مربوط به غیرنظامیان در ماده ۱۷ آورده است: دولت‌های متخاصم برای تخلیه بیماران و زخمیان و معلولان و اسیران و زنان تازه‌زا در نواحی محاصره‌شده و همچنین برای عبور روحانیان همه مذاهب و کارکنان و لوازم بهداری به مقصد آن نواحی، قرارنامه‌های محلی بین خود منعقد سازند (اخگری بناب و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۸-۱۰۰).

۱۱. حمایت از روحانیان در حقوق اسلام نسبت به زمان جنگ

به لحاظ اهتمام خاص اسلام نسبت به مصونیت و احترام نمایندگان دشمن، می‌توان گفت: رعایت مصونیت سفیران و نمایندگان دشمن از قواعد امره حقوق بشردوستانه اسلام محسوب می‌شود. بنابراین نمایندگان دشمن از جمله اشخاصی هستند که مورد حمایت حقوق بشردوستانه اسلام هستند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۷۷). راهبان از جمله اشخاص تحت حمایت در مخاصمات مسلحانه‌اند که در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی حقوق بشردوستانه بدان‌ها توجه شده است.

از دیدگاه فقهای امامیه، ملاک حمایت از راهبان نداشتن اهلیت قتال است که عبارت است از: نداشتن توانایی جسمی و فکری برای جنگیدن. از این رو صرف راهب بودن دلیل بر مصونیت آنان نخواهد بود (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۷۵). اعطای این نوع امتیاز به نمایندگان دشمن مؤید آن است که در اسلام برقراری روابط دیپلماتیک با دشمن و در جریان مخاصمات مسلحانه نیز امکان‌پذیر است.

روشن است که برقراری چنین روابطی، خود یکی از راهکارهای اجتناب از جنگ و خونریزی و مقدم داشتن راه مسالمت‌آمیز در روابط ملت‌ها محسوب می‌شود که در اجرای آن جهان اسلام پیشتاز ملت‌ها بوده است. ارسال دعوتنامه‌های متعدد از ناحیه رسول اکرم ﷺ توسط نمایندگان خویش برای سران بیشتر قبایل و کشورهای بزرگ و رعایت احترام متقابل نمایندگان آنان مؤید این موضوع است (اخگری بناب و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۷۶). افرادی که به‌عنوان سفیر، نماینده و پیام‌آور انجام وظیفه می‌کنند دارای مصونیت هستند. این امر قبل از آنکه یک دستور شرعی و دینی باشد، یک مسئله عقلی و بدیهی است که این افراد حامل پیام و نامه هستند و در ایجاد تفاهم، صلح، مبادله اسیران و دیگر مباحث حقوق بشردوستانه نقشی ارزنده ایفا می‌کنند.

پس منظور از «سفیر / پیام‌آور» کسی است که مستقیماً از ناحیه دشمن حامل پیغام برنامه است و دارای تابعیت دشمن می‌باشد، وگرنه کسانی که دارای تابعیت ثالث باشند و یکی از دو طرف درگیری به حساب نمی‌آیند مصونیت‌شان روشن است. از نظر اسلام مصونیت این افراد به نحو وسیع و ویژه است. به‌عبارت دیگر هرگاه این عده مرتکب اشتباهی هم بشوند، باید حتی‌الامکان از اشتباهات آنها چشم‌پوشی نمود و از آزار و مجازات آنان خودداری کرد.

در زمان پیامبر ﷺ دو نفر به‌عنوان پیک و نماینده بر آن حضرت وارد شدند و رفتارهای خطاکارانه از خود نشان دادند. پیامبر اکرم ﷺ از خطای آنها چشم‌پوشی کرد و فرمود: «اگر بنا بود که من قاتل پیک و فرستاده باشم شما دو تن را به قتل می‌رساندم»؛ کنایه از اینکه پیک و سفیر محترم هستند و نمی‌توان به آنان آسیب رساند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۷۵). «لو كنت قاتلا رسولا لضربت عنقكما»؛ اگر کشتن سفیر مجاز بود، به تحقیق گردن شما دو تن را قطع می‌کردم (سلیمی، ۱۳۹۶، ص ۴۳۴).

نتیجه‌گیری

۱. از اهم قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه اصل «تفکیک» است که وظیفه این اصل حمایت از افراد غیرنظامی، همچون زنان، کودکان، و سالمندان و همچنین افرادی است که مستقیماً درگیر در جنگ نیستند؛ مانند پزشکان و مجروحان جنگی. همچنین باید مطابق این اصل، بین اهداف و اموال نظامی و غیرنظامی فرق گذاشت و قواعد جنگ را حامی اهداف و اموال غیرنظامی دانست.

۲. از نظر مفهومی، عبارت «حقوق بشردوستانه از منظر اسلام» و «حقوق بین الملل» تفاوتی با هم ندارند و در اسلام هم قواعد حقوق جنگ با اهداف و مفاهیم موجود در حقوق بین الملل برابری می‌کند. این در حالی است که منابع حقوق اسلامی بکلی از منابع حقوق بین الملل متفاوت است. منابع حقوق اسلام عبارتند از: کتاب، سنت، اجماع و عقل. همچنین دین اسلام خاستگاه تمام حقوق را الهی می‌داند. بدین سان واضح حقیقی و برحق فقط وجود باری تعالی است. اوست که می‌تواند باید و نباید و حدود و صغور قوانین را مطرح کند.
۳. اصل «تفکیک» به مثابه یکی از مهم‌ترین اصول حمایتی حاکم بر حقوق بشردوستانه شناسایی شده است، به گونه‌ای که برخی از محققان آن را از اصول بنیادین حقوق بین الملل می‌دانند که استثنایی ندارد. برخی از پژوهشگران این دیدگاه را از نظر حقوق اسلامی نیز مورد تأیید می‌دانند.
۴. جنگ در اسلام یک پدیده عارضی است که از باب ضرورت رفع موانع، دفع ظلم و تثبیت توحید در جهان تشریح شده است. حتی در صورتی که جنگ برای دفع تجاوز دشمن نیز صورت گرفته باشد، لازم است محدود به چارچوب از بین بردن نیروی نظامی دشمن باشد، نه تجاوز و تعدی به جان و مال.
۵. اسلام برای خود جنگ نیز برنامه قانونی مفصلی بر پایه «عدل»، «رحمت» و «رعایت حقوق و شعور انسانی» تنظیم کرده است. در قرآن کریم مکرر بر رعایت عدالت و تجاوز نکردن از حدود معقول انسانی در مقابل دشمنان تأکید شده است. برخی از تعالیم گسترده اسلام درباره اشخاص و افرادی است که در جنگ شرکت نکرده‌اند و یا در حال حاضر درگیر نیستند. به عبارت دیگر به افراد غیرنظامی امنیت کامل داده شده است که - همان گونه که بیان باشد - این اصل «تفکیک» نظامیان در جنگ است.
۶. مبانی الهی (یعنی اراده تشریحی خداوند) منابع اسلامی (یعنی کتاب و سنت) از دیگر امتیازات «حقوق بشردوستانه» در اسلام است، در حالی که مبانی حقوق بشردوستانه عرفی اراده دولت‌ها و منابع آن قرارداد است.
۷. توجه به امتیازات حقوق بشردوستانه در اسلام هرگز به معنای نادیده انگاشتن کوشش‌های جهانی در این زمینه نیست؛ چنان که اقدامات شایسته بین‌المللی و عزم بایسته جهانی نباید موجب انکار نقش ادیان ابراهیمی و به‌ویژه اسلام در تدوین و توسعه حقوق بشردوستانه شود.

منابع

- نهج‌البلاغه، ۱۲۸۷، محمدجعفر امامی و محمدرضا آشتیانی، زیر نظر مکارم شیرازی، قم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، ۱۴۰۸ق، *البدایة و النهایة*، بیروت، مکتبه المعارف.
- اتابکی، پرویز، ۱۳۷۶، *رهاورد خرد ترجمه تحف العقول*، تهران، فرزانه روز.
- اخگری بناب، نادر و دیگران، ۱۳۸۸، *بررسی تحقیقی حقوق بشردوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی: اشخاص مورد حمایت در مخصصات مسلحانه*، تهران، هستی نما.
- _____، ۱۳۸۹، *حقوق بشر دوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین‌المللی حمایت از محیط زیست، اموال و اماکن در مخصصات مسلحانه*، تهران، هستی نما.
- بیهقی نیشابوری، حسین بن علی، ۱۴۲۴ق، *سنن الکبری*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- جلالی، غلامرضا، ۱۳۹۲، *اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، مشهد، آستان قدس رضوی.
- حرانی، ابومحمد حسن، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام*، قم، اسلامی.
- حراغلی، محمدبن حسن، ۱۴۱۲ق، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام لایحه التراث.
- حسینی، سیدابراهیم، ۱۳۹۱، *جهاد و اصل منع توسل به زور در اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- سلیمی، عبدالحکیم، ۱۳۹۶، *حقوق بشردوستانه در اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- شویای جویباری، رمضانعلی و مسعود امامی، ۱۳۹۵، *دانشنامه اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه بشردوستانه*، تهران، میزان.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، ۱۴۰۳ق، *المصنف*، لبنان، بی‌نا.
- ضیایی بیگدلی محمدرضا، ۱۳۹۵، *اسلام و حقوق بین‌الملل*، چ دوازدهم، تهران، گنج دانش.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۷، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، مرکز نشر فرهنگی رجا.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۳۹۴، *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ دهم، تهران، اساطیر.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۳۸۶، *تهذیب الاحکام*، تهران، نور وحی.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۹۳، *اصول کافی*، چ چهارم، قم، دارالتقلین.
- کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۱، *آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی به انضمام قراردادهای چهارگانه ژنو و دستورالعمل‌های الحاقی*، تهران، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران.
- مغنیه، محمدجواد، بی‌تا، *فقه امام صادق علیه السلام*، چ پنجم، قم، انصاریان.
- ممتاز جمشید، ۱۳۸۷، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه مخصصات مسلحانه داخلی*، چ سوم، تهران، میزان.
- موسوی سبزواری، سیدعبدعلی، ۱۳۸۲، *مذهب الاحکامی بیان حلال و الحرام*، قم، دارالتفسیر.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۲، *جواهر الکلام فی شرح نرائع الإسلام*، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.